

در هفت گدشته طلعه حالاتی در روزنامه جمهوری اسلامی ( ۵ مقاله از یکشنبه ۲۸ شهریور تا پنجشنبه اول مهرماه ) انتشار یافت که درج آنها را شاید بتوان "واحه" مهم هفت نامید . به این دلیل که پس از مدت‌ها در این روزنامه ارگان مرکزی حزب حاکم به ضرورت تحریک انقلاب ، ضرورت خارج کردن مسائل و مشکلات مسئله کشور و "انقلاب" از "انجام" و "بلاتکلیفی" توجه شده است .

رغباتی که این طلعه مقالات را خواندند ، بی‌شک توجه کردند که آنها در مواردی حالتی از امرای و در موارد دیگر حالتی از اسام و بطور کلی حالتی از تانکس کوبی هستند و نیز طرق منحصر را برای حل مسائل بدست نمی‌دهند . در آنها همچنین ضابطه تشخیص و تمکین نیروهای انقلابی از نیروهای ضدانقلابی و دوستان و دشمنان انقلاب ( چه داخلی و چه خارجی ) مشخص نشده است ولی در آنها هشدار داده شده است که انقلاب بحرط‌های رسیده که مسائل سلابه کشور باید از بلاتکلیفی و اسباب خارج شود و این توجه و هشدار از سوی ارگان مرکزی حزب حاکم ، خود مهم است .

روزنامه مرحله‌های را که انقلاب بدان رسیده مرحله بلوغ می‌داند که "از این به بعد نمی‌توان پذیرفت تکلیف مدیریتتها ، شوراهای انجمن‌های اسلامی زمین منگن ، صنایع ، کشاورزی ، توزیع ، احکام ، گرانروشی ، سیاست خدمت .... روشن نشده همچنان مهم باقی بماند و مسائل بسیار مهمی از قبیل انقلاب فرهنگی ، لایحه بازرگانی و سازمان اطلاعاتی در گفتی و نوس طلعهها شماره چهار اسباب و رکود و نسبان باشند . . . . انقلاب در این مرحله پیش از هر چیز به سیاستگذاری ( مقاومت منظور همین شی سیاسی است ) و برنامه‌ریزی همچنان نیاز دارد . . . . اگر امروز ( مسئولی گفتی ) برای ( انجام ) این مهم اقدام نکنند ، پشیمان فرود آید است . . . . اگر برخوردها ( در نظام جمهوری اسلامی ایران ) سالم نباشد ، انقلاب مسیر خود را گم کرده و به بیراهه گشاده خواهد شد . . . . حتما باید حدود وظایف و اختیارات همه ارگانها ، نهادها ، انجمنها ، مدیریتتها . . . براساس قانون و کمال شخصی شود . . . ( اگر ) آنچه لازمه این مرحله انقلاب است دلگشا در زمان خود انجام نگیرد و بیسم آن می‌رود ، آنچه بعدا انجام خواهد شد چیزی شبیه "نوشه‌های بعد از مرگ سپهر" باشد .

در مجموع سرفصل‌نویس روزنامه جمهوری اسلامی از "کنشک طلعهها" یعنی سازه "خط‌ها از فقدان ضابطهها" یا "چارچوب برخوردها" از نامشخص بودن حدود وظایف و اختیارات ارگان‌های دولتی و نهادها ، از اینکه مسائل مهم چهار رکودندماند ، از اینکه قانون حکمفرما نیست اظهار نگرانی می‌کند و بحق اظهار نگرانی می‌کند .

درواقع نیز مسائل مهم و سرنوشت‌ساز که حل آنها برعهده انقلاب یعنی حاکمیت انقلابی قرار دارد ، دچار رکود هستند از جمله مسئله زمین ، مسئله مالکیت مسئله دولتی کردن بازرگانی خارجی ، مسئله نظارت دولت بر بازرگانی داخلی ، مسئله بازرگانی دانشگاهها ، مسئله بنگاری ، مسئله گرانی مسئله آزادیهای سیاسی برای احزاب و سازمانهای سیاسی طرفدار انقلاب ، مسئله آزادی شکل‌های جنسی برای زحمتکشان ، مسائل مربوط به سیاست خارجی مسئله منگن والی آجر .

این مسائل مهم در کدام جهت باید "حل" شوند ؟ پاسخ روشن است در جهت "حیطهها" در انقلاب یعنی در جهت تامین حقوق زحمتکشان و محرومان ، کوششبان ، بیندستان و برخلاف جهت فارتگری سرمایه‌داران و زمینداران و فئودالها و خانها ، در جهت آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برای همه نیروهای انقلابی نه در جهت انحصارطلبی ، نه در جهت کسب استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی ، نه در جهت بازرگانی "بهره" و "دریجه" برای حفظ و گسترش وابستگی به امپریالیسم . آیا در شرایط کنونی می‌توان در این "حیطه" مسائل را حل کرد ؟ آری می‌توان ، چرا می‌توان ؟ برای اینکه توده‌های سلبونی مردم خواستار اند ، برای اینکه طایفه تمام گارتکشی‌ها و خرابکاری‌های طیف جبهه متحد ضدانقلابی ، ملایم تمام ناراضی‌ترانی‌ها از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان انقلاب ، هنوز توده‌های سلبونی مردم "بی تفاوت" نشده‌اند ، سرخورده نشده‌اند هنوز امیدوارند هنوز پشتیبان انقلابند ، هنوز تناسب تریا بین نیروهای انقلابی و دشمنان و مخالفان برآیند به سود انقلاب است . مهمترین "مندی" که در افسانه‌های واقعه‌شناسی توان لراشه داد ، جاننازی و مداکاری‌سی درخ مردم زحمتکشی در جنگ تحمیلی است .

از سوی دیگر نیروهای "خط‌امام" در حاکمیت عمدتا به ضرورت مرم حمل تمام مسائل مهم سلابه انقلاب و کشور می بردماند . آنها می‌خواهند و طرفیبه را حل‌اندازند که با اتکا به نیروی توده‌های ، همیا سلبونی مردم ، مسائل انقلاب را حل کنند و انقلاب را به پیش برند . ( نقل قول‌هایی که در زمینه‌های مختلف از سخنان پیروان خط‌امام در بولتن‌های گذشته آورده‌ام حاکی از این واقعه‌شناسی ) ولی همچنانکه ما بارها گفته‌ام اگر انقلاب به حرکت پیش‌برنده خود ادامه ندهد ، واپس می‌نشیند ، انقلاب توقف‌پذیر نیست . انقلاب باید درامداد جهت اهداف خود حرکت کند مرمی که انقلاب کردند باید به گفته رئیس‌جمهور خانهای "جبری" از انقلاب بدست آورند و اگر بدست‌نیاورند و برای مدت درازی بدست‌نیاورند ، از انقلاب و از حاکمیتی که مگان انقلاب را بدست گرفتاست مایوس می‌شوند و در این زمان است که به نوشته روزنامه جمهوری

دیگر تلاش برای جبران مافات مستجاب "نوشه‌دارو بعد از مرگ سپهر" خواهد بود . سیاست حرکت پیش‌برنده انقلاب به سوی اهدافش در استقلال ، آزادی و

عدالت اجتماعی ضرورت مرم است که انجام آن را نمی‌توان و نباید به تعویق انداخت . برای تحقق این امر به نظر ما از یک سوی نیروهای پیرو خط‌امام در حاکمیت وظیفه دارند که با قاطعیت بیشتر عمل کنند ، مقاومت‌های مخالفان را با جسارت بیشتری بشکنند ، گام‌های مجدانه محصلطلبی در زمینه‌های مهمی نظیر اصلاحات بنیادین ارضی به سود مستضعفان روستا ، خارج کردن لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی از "محای" و اجرای آن ، مهارگرانی از طریق برقراری نظارت دولتی بر بازرگانی داخلی و در زمینه‌های ضروری دیگر برآوردند از سوی دیگر نیروهای سیاسی انقلابی در جامعه از جمله سازمان ما وظیفه دارند که کوره انقلاب را گرم نگاهدارند ، از نفوذ پاس و نوسیدی در توده‌های مردم جلوگیری کنند ، بکشند که مردم را در صحنه انقلاب نگاهدارند ، به آنها تفهیم کنند که نیروی حاد بین نیروهای هوادار انقلاب با نیروهای طرفدار گلان سرمایه‌داران و بزرگمالکان ، بین نیروهای انقلابی و طیف نیروهای ضدانقلابی جریان دارد ، آنها را متوجه کنند که از طریق درخواست حقوق حقه خود می‌توانند به پیروان خط‌امام در حاکمیت کمک کنند ، به آنها توجه دهند که به گفته شهید رحمانی " شما هم باید فریاد بزنید که مستضعفان هیچ چیز گیشان نمانده" است چرا که این " فریاد" خود نیرو است ، نیروی موی بیرون خط نام در حاکمیت است ، البته بشرط اینکه این " فریاد" پاسی مطالبه حقوق حقه همراه با تائید انقلابی در چهارچوب نظم و قانون ، بدون از سرگشته جنجال ارمواض تقویت انقلاب باشد .

تکلیفی که رفقا باید همواره بدان توجه جدی داشته باشند ، این است که خط‌امام در حاکمیت در شرایط کنونی که نبرد "خط‌ها" با شدت فزاینده‌ای در تمام مرم‌های زندگی جریان دارد ، بیش از هر وقت دیگر ، احتیاج به پشتیبانی فعال توده‌های سلبونی مستضعفان دارد تا بتواند مقاومت ضدانقلاب را بشکند "خط" جریان مخالف راست‌گرا را مقیم کند ، و حرکت انقلاب را در جهت اهدافی که در قانون اساسی تصریح شده تائید نماید ، بدون حضور فعال توده‌های زحمتکش در صحنه نبردها یعنی بدون اینکه مطالبات حقه انقلابی خود را به صراحت مطرح کنند ، پشتیبانی فعال توده‌ها از خط امام شهید و طوموس و موتز نخواهد بود . همین بگفته گذشت ( ۲۸ شهریور ) اسام ضمن‌سی مجدداً و برای چندمین بار خطاب به مشرین گفتند که : " شما مردم را برای پشتیبانی از خود لازم دارید ، دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کاری بکند ، وقتی شهیدرحمانی خطاب به مسئولان می‌گفت که مطالبات حقه خود را " فریاد" بزنید ، برای این بود که پشتیبانی عظیم توده‌های سلبونی ضمیمه رادر مقابل با مخالفان در صحنه داشته باشد . جهت‌السلام رفشناسی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفت که توده‌های مردم " اساسی" اند و توضیح داد که منگی به این " اساس" و بنا بر ضرورتی از پشتیبانی توده‌های مردم است که رهبری می‌تواند عمل کند شهید دکتر بهشتی خطاب به کارگران می‌گفت : " کارگران ، برادران ، خواهران عزیز کارگر شما حق دارید ، خواسته‌های مشروعتان را ، خواسته‌های اساسی‌تان را ، خواسته‌های که نه فقط رفاه اقتصادی می‌آورد ، بلکه رشد سیاسی و گرامت انسانی‌تان را به همراه دارد ، با صراحت کامل با رهبری انقلاب در میان بگذارید ، تشویق توده‌های زحمتکشان ، مستضعفان به فریاد " زدن به طرح صریح خواسته‌های برحق خود از خصم‌های رهبری پیروان خط‌امام در حاکمیت است ، زیرا همچنان که گفته‌ام خط انقلابی نیازمند پشتیبانی فعال توده‌ها ، حضور فعال آنها در صحنه نبرد است ، تا بتواند مقاومت مخالفان را بشکند با مقیم کند . در این جهت باید در حد امکان به نیروهای "خط‌امامی" کمک کرد نکته اساسی دیگر که همواره باید در نظر داشت و در هیچ شرایطی لحظه‌ای فراموش نکرد این است که هر مبارزاتی در هر زمینه و مقطعی باید با در نظر گرفتن این اصل اساسی و سیران خط‌امامی انجام گیرد که " دشمن اصلی امپریالیست ، امپریالیسم جسورگرایی امریکا است " به همین دلیل ما با مبارزاتی که در جهت لغو گلان سرمایه‌داری و بزرگمالکی انجام می‌گیرد ، موافقم زیرا گلان سرمایه‌داری و بزرگمالکی پایه اقتصادی - اجتماعی امریکا ( امپریالیسم ) هستند ولی در عین حال با هرگونه اعتصاب و کم‌کاری جدا مخالفیم زیرا کار نیست چنین شیوه مبارزاتی باعث تضعیف قدرت انقلابی کشور در مبارزه با امپریالیسم است .

خلاصه اینکه در شرایط کنونی که نبرد "خط‌ها" با شدت فزاینده‌ای در همه مرم‌های جریان دارد ، ما وظیفه داریم که همواره بدون حستگی ، خط‌امام ، خط ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب را در همهجا تقویت کنیم ، همراه با نیروهای سلطان انقلابی راستین برای پیشبرد انقلاب به سوی اهداف خود ( استقلال آزادی و عدالت اجتماعی ) ، برای تحقق مصلی روح و نس قانون اساسی که بیانگر این اهداف است ، با تمام توان خود بکوشیم .

در میان رویدادهای هفته گذشته برگزاری اولین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران که در پایان کار خود قطعه‌های نیز انتشار داد. رویداد کارگری با اهمیت هفت گذشته بود. تشکیل مجمع عمومی انجمنهای اسلامی کارخانجات تهران که با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد نیز از این رو با اهمیت است که برای نخستین بار، سخن بازاری در قطعنامه آن مهم‌ترین خواسته‌های صنفی و سیاسی کارگران مورد تأکید قرار گرفته است.

طبقه کارگر ایرانی که در هفته جنگ نیز با اختتامی پرگروز از درآمد خود به بازسازی مناطق جنگی، علاوه بر تشکیل کمیته‌های ویژه امن و نظارت و تلاش تحسین انگیز برای افزایش تولید که در اغلب کارخانه‌ها تولید را به حد نصاب طرف‌ترستی کارخانه‌ها افزایش داد. ضالمترین نیروی اجنبی در بزرگداشت هفته جنگ بود، که در هنگامه نبود "خط‌ها"، در این مرحله سرنوشت ساز انقلاب نیز بلوغ آگاهی سیاسی - صنفی خود را آشکار می‌کند.

درباره نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات، جز یک گزارش کوتاه و انتشار قطعنامه آن آنهم فقط در روزنامه جمهوری اسلامی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی گزارشی انتشار ندادند. از مجمع عمومی انجمنهای اسلامی کارخانجات تهران نیز تنها قطعنامه آن در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافت. با اینهمه مطالب اندکی که انتشار یافته نشان می‌دهد که کارگران تا چه پایه به نفس خود در دفاع از انقلاب و پشتیبانی از خط‌ماده‌های علمی و مردمی اسلام خصمی آگاهی دارند. مضامین حقه خود را بدرستی می‌شناسند و برای بدست آوردن آن مبارزیت متشکل و جمعی خود را ارتقا می‌بخشند. قطعنامه‌های منتشره، مهمترین خواسته‌های کارگران و همچنین اعتراض وسیع نمایندگان شوراهای کارگری و انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران را به سیاست کارگرسنج وزارت کار صنفی می‌کند و این نشان میدهد صنفی است از تریب صنفی مبارزه متشکل کارگران و رشد آگاهی انقلابی در نزد طبقه کارگر انقلابی می‌بخشد.

در نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران (۲۹ تا ۳۰ شهریور ماه ۱۳۶۱) نمایندگان کارگران بدرستی به تفاوت خط کارگرسنج وزارت کار از خط امام انگشت گذاشتند. نمایندگان کارگران خواستار آن شدند که خط کارگرسنج وزارت کار مبارز گردد و خط امام بر وزارت کار و در حال تمام مسائل مربوط به کارگران، ملاحظه قرار گیرد. در قطعنامه اولین کنگره شورای اسلامی کارخانجات استان تهران آمده است:

ما شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران که ثمرات شهید باهنر است کاله بهشتی این مجتهد عظیم‌الشان که از مکتوب ما حمایت‌های ارزانی اسلامی در این زمینه‌هاست در تدوین قانون کار و قوانین اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

(روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه اول شهریور ۱۳۶۱)  
در قطعنامه با پای مجمع عمومی انجمنهای اسلامی کارخانجات تهران نیز همین فرستاده مورد تأکید قرار گرفته است، در این قطعنامه نیز آمده است: انجمنهای اسلامی، مقتصدند که در تدوین قانون کار جدید، پایه تفرقه بیندازند و عارف وارسته‌های همچون شهید منظوم آیت‌الله بهشتی ... مورد بهره‌برداری قرار گیرد. (روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۱ شهریور ماه) نظرات آیت‌الله بهشتی نظرات روشنی است، این نظرات توضیح دهنده بواعض خط امام در جانبداری از مروجان و مستضعفان است و تفسیر بدون عطفه این اعتقاد است که می‌گوید: کارگران ستون فقرات انقلابند.

آیت‌الله شهید بهشتی معتقد بود: "آثر مزدبگیر و زمینگش جایزه از دوطرف استکار می‌شود، چکی آنکه چون ابزار (کار) مال خود او نیست و دیگری آنکه تلافی که جود تولید می‌کند بعداً باید به چندین برابر قیمت بخرد" (مساجد با نشریه بولتن سازمانده ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰). خود در سخنرانی دیگری که بنامیت اول ماه مه ایراد کرد و در روزنامه روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ انتشار یافت این نوبت را می‌دهد که: "ما در جامعه آینده امکان استعمار یک انسان بوسیله انسان دیگری را، هرگز باشد و در هر جایگاه باشد هیچ عنوان باقی نخواهیم گذاشت" باین دلیل بود که او در همین سخنرانی خطاب به کارگران می‌گوید: "کارگران عزیز! رهبری انقلاب اسلامی ایران، حزب جمهوری اسلامی همه گروه‌های متشبه، براین نظر متفق هستیم که

کارگر و همه کارگران موسسات صنفی، تولیدی و موسسات تولیدی غیرصنفی باید در همه مسائل اصلی مربوط به تولید، توزیع، قیمت‌گذاری، رسیدگی به بازره و درآمد سهم باشند" و در جای دیگر در دفاع از شوراهای کارگری می‌گوید: "نظر اجتهادی و اقتصادی خود بر این است که شوراهای وکلی شوراهای جدی می‌شوند که در حد آحادی و توانشان بتوانند در اداره‌گاه‌ها نقش داشته باشند و در جلساتی از شورای انقلابی که بحث شوراهای مطرح بوده و صورت جلسات آن نوشته شده مگر این مطلب را من گفتم و مگر نظر در محبت و گفتگویی که آنجا بوده، بند، بعضی از دوستان بر صفتی قرار داشتیم که معتقد به مخالفت دادن کارکنان یک واحد در اداره آن واحد بودیم" و می‌افزاید: "نیروی رهبری باید متشی باشد بر زمینگش یک جامعه و کارکنان و کارگران یک جامعه" (جمهوری اسلامی - ۲۸ آشنده ۱۳۵۸)

پیدا است خط بهشتی - یعنی خط اصل امام است که به نابودی سرمایه‌داری می‌انیدند و خواهان برجیدن نظم استواری است با حداکثری توکل که آغاز از سرمایه‌داری دفاع می‌کند و از امکانیت، تفاوت در امکانات و نعمت، سخن می‌گوید، نمی‌تواند جور دربیاید، تفاوت این دو خط است که آگاهی توکل را در برابر کارگران و همه مروجان قرار می‌دهد و بهین دلیل هم خط کارگرسنج

وزارت کار با تمام تلاش خود درصدد برمی‌آید تا تشکلهای کارگری را در هر شکل چه شوراهای کارگری، چه سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و چه حتی انجمن‌های اسلامی کارخانجات خار و مار کند و زمانی هم که با اعتراضات وسیع کارگران روبرو می‌شود با صدور بخشنامه‌های تشکیل شوراهای کار به موافقت کارفرما مشروط می‌کند و رسماً اعلام می‌کند که تنها با تشکیل شورایی که کارفرمایان سرمایه‌دار پیشنهاد موافقت دارد و موجب این است که بازم می‌توانند پرسند وزارت کار، که چنین کارگران او را بر سران نشانده‌اند، باقی می‌ماند.

در ارتباط با سیاست وزارت کار بود که در کنگره، نماینده شوراهای کارگری منطقه کرخ گفت: "الان وضع بصورتی شده است که شوراهای قانونی را نیز بصورتی نمی‌شناسند" و نماینده شوراهای اسلامی خانه کارگر شرق تهران توجه داد که "می‌خواهند شوراهای را به انزوا بکشانند." نمایندگان فرگفته‌ها در نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران در مطالعه با این خط‌ماده‌های وزارت کار و برای حثی کردن توطئه جدیدی که برای نابودی موجودیت و استقلال تشکلهای کارگری از جمله شوراهای اسلامی کارگران طراحی شده است در ماده ۹ قطعنامه خود تأکید کردند که:

ما شوراهای اسلامی کارخانجات توسط کارکنان انتصابه و شرط باقی مانده با کنار رفتن خود را در شو رضایت موکلین خود می‌دانیم، لذا از نظر ما مدیران تنها بعنوان بخشی از کارکنان، هرکدام دارای یکگاری می‌باشند لذا پیشنهاد می‌کنیم برای اعلام رضایت با عدم رضایت کارکنان که تنها شرط کناره‌گیری یا ابقا شوراهای اسلامی می‌تواند باشد در سطح هر کارگاه و کارخانه مجمع عمومی تشکیل گردیده و تکلیف هر شورا را انتخابات جدید کارکنان مشخص نماید.

این ماده از قطعنامه کارکنان که می‌گوید استقلال کارگران را در برابر سرمایه‌داران و مدیران وابسته به آنها حفظ کند بیانگر درک عمیق کارگران از ضرورت حفظ موجودیت شوراهای و بهتر از آن تأمین استقلال برای تشکلهای کارگری است.

رفقا اطلاع دارند که طراحان و مدافعان خط کارگرسنج وزارت کار، برای تسکیم موضیت جریان راستگرا و در جهت تثویت عناصر لبرال و ضد خط امام، تنها به این اکتفا نمی‌کنند که تشکلهای کارگری از جمله شوراهای کارگری را به "انزوا" بکشانند تا راحت درهم بشکنند. این خط کارگرسنج در همین حلقه نمایندگانی متشبه شوراهای کارگری و عناصر ارتزقی و خط امامی غصبیال در محیط‌های کارگری را با استناد به ماده ۲۳ امراج و از کار برکنار می‌کند. روند اخراج سازمان یافت کارکنان انقلابی، پایتند و متشبه به خط مردمی اسلام خصمی در کارخانه و مجامع کارگری تا به آنجا است که دو ماده از قطعنامه انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران به مقابله با این امر اختصاص یافته است: "ماده ۱۳ - ما خواستار پایان دادن به اخراج‌های بیرویه و ضایع دادن به جو ضدیت با انجمنهای اسلامی بوده و از سلب این می‌خواهیم که عاملین و مسببین این حرکت را که بی‌شک آنگاهانه یا خائفانه به ضدانقلاب خدمت می‌کنند شناسایی و متنبه نمایند.

ماده ۱۴ - وزارت کار با پشتیبانها و مرجع گمانی باشد که مورد ظلم قرار می‌گیرد و بی‌وفایی و بی‌صفت یک طرف را گرفتن به هر مندر و بهانه‌های غیرتواند مزید خیرش باشد چرا که رسالت وزارت کار عمل به حقوق است، حال این جنب غیر هرگز نمی‌تواند در خیر خود و اکثر شده باشد. وزارت کار با پشتیبان به حق عمل کند و بهی از این نباید در مداخله‌های بی‌مصلحتی که برانجمنهای اسلامی می‌رود سبقت بماند و سر شایده بر اخراج‌های بیرویه فشارد.

حائزین آنکه به این گونه در قطعنامه مجمع عمومی انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران انتضی یافته بیکار دیگر یکی آشدر و امتا و بر ملا می‌سازد که جریان راستگرا که با حربه توده‌ای ستیزی و فدایی ستیزی به میدان می‌آید و با فریاد و استیلا برکت بر شیروی سر می‌دهد طبع ندان انقلاب و ضمه نیروهای پشتیبان و بیرو خط‌ماده‌های راستی و مردمی اسلام خصمی است. واقعاتی از این دست که هم‌اکنون در سراسر میهن انقلابی ما جریان دارد، بیکار دیگر اثبات می‌کند که سایطه و مهار تشبیه انقلابی از مخالفت انقلاب ریش و نسج و ظاهر به اسلام و عسک به ایات نمی‌تواند باشد.

همی تجربه اثبات می‌کند، درهم ریختن رر دوستان و دشمنان انقلاب تا چه پایه بسود جریان راستگرای مخالف خط امام است این بیپوده نیست که عناصر وابسته به این جریان تمام کوشش خود را بکار می‌بندند تا کارگران از سخنان برجسته‌ترین سخنویان خط امام، کنکوشی می‌کنند امریکای چنانستگار را دشمن اصلی معرفی کنند و از دوستان و دشمنان انقلاب را با انقلاب و ضدانقلاب توضیح دهند بی‌اطلاع نگاهدارند و برعکس با برگزاری سخنرانی‌های گوناگون به ایجاد اشتباه در این زمینه و دور کردن کارگران از اهداف راستین انقلاب و خط امام تلاش می‌کنند.

نمایندگان شوراهای کارگری و انجمن‌های اسلامی کارخانجات، همچنین برای مبار خط کارگرسنج وزارت کار در قطعنامه‌های منتشره خاطر نشان کرده‌اند که "با توجه به استقلال قانون مافوقی کار و با تمام رسیدن مدت لایحه شوراهای اسلامی واحدهای خدماتی و صنفی، تلاش موثر این نهاد در شکوفایی اقتصاد کشور از مجلس شورای اسلامی است. ما داریم که هرچه زودتر بلحاظ راهی از بلاتکلیفی واحدها، طرح قانون کار و لایحه شوراهای اسلامی را در مجلس مطرح و تصویب نمایند.

در قطعنامه مجمع عمومی انجمن‌های اسلامی کارخانجات تهران نیز آمده است: "قانون کار فعلی را مافوقی و ضداسلامی دانسته، بولفو مواد ۲۳ و ۲۴ تأکید (می‌نمایم)" اینها همه درمقابل تشنه‌های رفد و بلوغ آگاهی اخلاقی در نزد طبقه کارگر ایران است. کارکنان نظام می‌دهد که چگونه در مسیر شکوفایی

جمهوری اسلامی ایران همچنان پستاز مبارزه با چریاں را استگرای مخالف خط  
امام و پستیهاں بدون تزلزل انقلات و خط بر فعی اصنام خمیسی هستند . وظیفه  
انقلابی ماست که نیوه مبارزه متسکل کارگراں را برای کسب حقوق حقه عبود و  
ملیه مخالفان و دشمنان انقلات برای دیگر الظار و حجتگان توضیح دهیم و آنها  
را به هدیهها و حیوانیهایی که کارگراں پیشرو مطرح می کنند . آشنا کنیم .

متأسفانه غلبه خط تارگرمه نیز در وزارت کار و تعلل غیرقابل توجیه برخی مسئولان جمهوری اسلامی در تأیید جدی باین خط و تعلل در برسمیت شناختن حق تشکیل شورا و اتحادیه صنفی برای کارگران، بعضی از ناراضیانی را بین کارگران پدید آورده است امروز حتی برخی از نمایندگان روشن بین خط امام به این حقیقت واقفند که دست‌هایی در تار بوده است که تشکلهای کارگری را برآکند و انقلاب را از یکی از ارکان آن و بزم ما رکن اصلی آن، محروم سازد.

مشکلات اقتصادی، فشار زندگی، رنج کار، بار محرومیت کارگران همه و همه همچنان باقی است و این درحالی است که وزارت کار و معادل معینی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برخلاف نص صریح قانون اساسی به هیچوجه حاضر نیستند بپذیرند که کارگران حق دارند شورا داشته باشند، سندیکا داشته باشند، متشکل شوند و از منافع خود که منافع انقلاب است، دفاع کنند. این معادل از یک طرف با صراحت تمام، سرمایه‌داران را دعوت و حمایت میکنند که اتحادیه درست کنند و متشکل شوند و از طرف دیگر می‌کوشند جلوی کارگران را بگیرند که متشکل نشوند و برآکنده بمانند. آیا نتیجه این سیاست چیزی جز تشدید ناراضی مردم زحمتکش و تشدید بی‌اعتمادی آنها به مسئولان نیست؟

رفقا باید اهمیت رعایت آزادی‌های سیاسی و صنفی مرحله در قانون اساسی در جلب اعتماد مردم به حاکمیت انقلابی و در تقویت بنیه انقلاب را وسیعاً توضیح دهند و این واقعیت را برای مردم ذاتیاً بشناسند که زبان عدم التزام به قانون و زبان صدانداری عناصر راست و فشری و زبان تمکین به خواست ضدانقلاب که تشدید آزادی نیروهای انقلابی است، بیش از پیش متوجه قوت و قدرت مردمی همه نیروهای انقلابی است. دود انحصار سیاسی و تنگ‌نظری، فقط به چشم دگراندیشان نخواهد رفت.

مرحله گذشته - اول سپریا - میلیونها دانشآموز، این نسل بالنده آینده ساز، سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. با آغاز سال تحصیلی را به همه آنها و نیز به آموزگاران و دبیران انقلابی متعهدی که وظیفه‌دار تربیت و تعلیم آنها هستند، تبریک می‌گوئیم.

امسال روز گشایش مدارس مصادف شد با دومین روز برگزاری مراسم هفته جنگ که چهار آن سرگ، پسر اسرائیل، سرگ پسر اسرائیل بود و دانش‌آموزان در این مراسم شرکت کردند و در برابر "لانه حاموشی" آمریکا شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سردادند. یک چنین آغاز سال تحصیلی نوین را می‌توان به فال نیک گرفت. بگذار در تمام سال تحصیلی بانگ مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل در فضای همه مدارس طنین افکن باشد.

آغاز سال تحصیلی با بانگ مرگ بر آمریکا و متحد صهیونیستی او سبای حرکت و لزوم شرکت دانش‌آموزان و مربیان آنها در سیاست است. این همان فعالیت سیاسی انقلابی، همان فعالیت "صفت و سازنده سیاسی" است که شهید باهنر تأکید داشت که "نه تنها ممنوع نیست، بلکه لازم است." اگر کسانی باشند که بخواهند مدرسه را از سیاست جدا کنند، در واقع بهائگران "جریانی" هستند که با سیاست انقلابی با حرکت دانش‌آموزان در سیاست انقلابی مخالفت و می‌خواهند زیر عنوان زدودن سیاست در مدارس، سیاستی را در مدارس نفوذ دهند که مخالف خط امام، مخالف خط ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب است. این "جریان مخالف" چنانکه می‌دانیم، در سال گذشته، در مدارس صلیت چشمگیری داشت. سفنگویان این "جریان مخالف" با طرح شعارهای انحرافی سعی کردند، آمریکا را "نسی" کنند. شعار مرگ بر آمریکا را ستفل و تپی از محتوای سیاسی انقلابی گردانند، امسال باید همه نیروهای راستین انقلابی در مدارس، اصم از محصل و معلم، سلطانان سازد بهر خط امام، "تودهایها" و فدائیان (اکثریتی)، دست در دست بگذارند، فعالیت این "جریان مخالف" را طعم کنند و جو سیاسی مدارس را چنان سازند که در آن خط ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب شکوفا گردد و شعار مرگ بر آمریکا، در تمام سال، در آن حاکم باشد. مدارس باید بصورت منگر مستحکم انقلاب برای شکوفایی محتوای ضدامپریالیستی و مردمی آن درآیند.

مدرسه پرورشگاه نسل بالنده است که آینده کشور، سازندگی ایرانی مستقل، آزاد و آباد و شکوفا و رشداخته در تمام مرصعهای زندگی برعهده او خواهد بود. این پرورشگاه باید هم از نظر پرورش اخلاقی و هم از نظر آموزش سانی علوم و فنون به نسل بالنده، از عهده وظایف خطیر خود برآید. صفات والای

انسانی، دوستی بی‌شائبه، احترام صحیحانه متقابل، همکاری و کمک متقابل بی‌چشم‌داشت، راستی و درستی ملاحظه‌ی به کار و زحمت و به مسردم رجعت، ملاحظه‌ی به ترفی و بی‌طرفت صحیحانه کشور، بلندنظری و از خود گذشته‌گی وظیفه‌شناسی و دیگر صفات انسانی باید محیط مدارس کشور را آکنده سازد. ایجاد چنین جوی در درجاول برصده آموزگاران و دبیران انقلابی متعهد و نیز برصده دانش‌آموزان آگاه است.

کوشش در فراگرفتن دروس از سوی دانش‌آموزان و آموختن دقیق و دلسوزانه آنها از سوی آموزگاران و دبیران - وظیفه‌ی مهمی است که باید در انجام آن کمترین غفلت و سهل‌انگاری روا نداشته. در این زمینه متأسفانه در سال گذشته، وزارت آموزش و پرورش را نمی‌توان موفق دانست. محصول و کارنامه تحصیلی سال گذشته که در میزان قبولی و کثرت مردودها و تجدیدی‌ها منعکس شد، اسفناک بود. مسؤلیت وزارت آموزش و پرورش در رفع کمبودهای عینی و نایساختنیهای ذهنی عظیم است. بخش بزرگی از این کمبودها و نایساختنی‌ها قابل رفع اند و در سال تحصیلی جدید باید رفع گردند. درخواست مجدانه

مقاله مدارس در رفع آنها مطمئناً موثر خواهد بود.

گروه بزرگی از کودکان به سن تحصیلی رسیده ما، بویژه در روستاها به مدرسه راه ندارند. گروهی نیز در کلاسهای مختلف از مدرسه باز می‌مانند و از ادامه تحصیل محروم می‌گردند. ملل چنین وضع اسفناکی متعهد از جمله کمبود مدرسه، کمبود معلم، فقر، ضرورت کسار نوجوانان برای کمک به خانواده‌های

خود برای کسب اشیای نان و غیره. اینها از ارضیهای رژیم متنگر و ضمرورنی گذشته است که باید آنها را بجملاً از بین برد. A کلاس تحصیل سنگینی و اجباری برای همه نوجوانان کشور باید هذنی باشد که در کوتاه مدت و طویل برنایه متعلق

باید.

گفتنی درباره آموزش و پرورش بسیار است و جای آن در "بولتن" نیست. باز دیگر آغاز سال تحصیلی جدید را به همه دانش‌آموزان و معلمان تبریک می‌گویم و امیدواریم که سال تحصیلی نوین برخلاف سال گذشته سالی برپار باشد.

رفقای عزیز، تاکنون ۲۵ شماره "بولتن هفتگی" منتشر یافته است. هدف از تدوین و انتشار بولتن در نخستین شماره آن اعلام شد. گفته شد که "هدف از انتشار این بولتن کمک به نیروهای سازمان برای تحلیل درست عمده‌ترین مسائل روز و تدابیر کشور است. بولتن می‌کوشد که رفقای سازمان را در جریان وقایعها و مسائل سیاسی جاری کشور قرار داده و از این طریق انجام مسائل را تکمیل بخشد و نیروهای سازمان را در انجام درست‌تر وظایف انقلابی‌شان، در دفاع از دستاوردهای انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی یار و مددگار باشد.

ما امیدواریم که بولتن در جهت پیشرفت بسوی این هدف، اگرچه کاملاً، حداقل در حد قابل قبولی موفق بوده باشد. ولی نیازمندی پیشرفت بیشتر و بهتر، بسوی این مقصود و نیز توجه به برخی تحولاتی که در کشور انقلابی ما جریان دارد و در نتیجه فضا می‌تواند پرسشهای گوناگونی را در مورد مسائل مختلف در افکار رفقا برانگیزد. ما را برآن داشت که بدین وسیله از رفقا خواهیم که اولاً یک ارزیابی کلی از ۲۵ شماره بولتن که تاکنون انتشار یافته، ما ارائه دهند (این ارزیابی می‌تواند فردی یا جمعی باشد) و ثانیاً از این پرسشهایی که درباره مسائل عمده برای آنها مطرح می‌شود و پاسخ به آنها را در بولتن نمی‌یابند برای ما بفرستند. تا ما در سنون ویژه‌ای از بولتن (یا در چند شماره دیگر و یا در هر شماره) به آنها بگونه‌ای مفردی که قابل درج در بولتن باشد، پاسخ دهیم.

البته، برای پیشگیری از هرگونه "گله" یا پشندآوری، باید هم‌اکنون توجه فضا را به این نکته جلب کنیم، که بولتن گنجایش پاسخ به همه پرسشها را جدا بجا ندارد. ما پرسشها را بر حسب موضوع و محتوا دستمندی خواهیم کرد و در سنون ویژه‌تر هر چند شماره بولتن، بکار و یا در صورت لزوم و نیاز در هر شماره به آنها پاسخ خواهیم داد. بسوی که رفقا بتوانند پاسخ محتوای پرسشی را که رای آنها مطرح شده، دریافت دارند.

بدینسان تقاضای ما از رفقا یکی اینست که نظر کلی خود را نسبت به بولتن و نیز اگر پیشنهاداتی برای بهبود کیفیت آن دارند، به ما ارائه دهند و دیگر نیست که پرسشهایی که احیاناً نسبت به مسائل مهم (در هر زمینه، ویژه سیاسی) برای آنها مطرح می‌شود، با ما در میان بگذارند.

اکنون ایجاد جنایت هولناکی که آدمکشان صهیونیست و فالانژیست در اردوگاههای صبرا و شتیلا مرتکب شدند بیش از پیش آشکار می‌گردد. بنا به گزارش هلال‌الاحمر فلسطین نیروهای رژیم صهیونیست اسرائیل و سیستم‌های فالانژیست متحد آنها پس از حمله به صبرا و شتیلا و قتل‌عام تعداد زیادی از ساکنان آنجا مردان، زنان و کودکانی را که زنده مانده بودند جمع‌آوری کرده و بروی آنها آتش گشودند. حتی دو خبرنگار امریکایی که از اردوگاهها بازدید بعمل آوردند اضرار داشتند بسیاری از قربانیان در اردوگاهها پیش از مرگ به شدت شکنجه شده بودند آخرین اخبار مربوط به این قتل‌عام وحشیانه نکات تکان‌دهنده جدیدی را افشا ساخت. بگین، شارون و دیگر سران جنایتکار رژیم صهیونیستی اسرائیل بهبوده کوشیدند پای خود را کنار بکشند. اکنون فاش شده است که این جنایت در جلسه کابینه اسرائیل تحت ریاست بگین طرح‌ریزی شده‌است. درست همان‌روزی که قتل‌عام در اردوگاههای صبرا و شتیلا آغاز شد ژنرال اریطان رئیس کل ستاد ارتش اسرائیل اضرار نمود "حالا ما آنچه را باید نابود شود نابود خواهیم کرد" یک روز قبل از آن شارون نیرویست جلاد اعلام نمود: "بانی‌مانده چریکیا در نظر دارند تجدید سازمان داده و پس از تور در پسر صحران از ورود ارتش لبنان به غرب بیروت جلوگیری کنند ورود ما به منطقه مذکور از این امر جلوگیری کرد" داروخته فاشیست حاکم بر اسرائیل برای نابودی زنان و کودکان و پسران غیر مسلح فلسطینی دسته‌بزرگی از کاندوهای اسرائیلی را با هواپیمای به غرب بیروت فرستادند و از آنجا با ۳۰ اتوبوس وارد اردوگاه شتیلا شدند. قاتلان صهیونیست به زنان و کودکان حمله کرده گوی آنها را می‌بریدند و هر جنین‌های را با گلوله از پای در می‌آوردند. جانبان به خاطر آنکه آثار جنایت هولناکشان را از بین ببرند قربانیان کشتار را زیر آواری از خانهای پناهندگان که با پلشور بروی آنها خراب کردند مدفون ساختند قربانیان جنایت خونین اسرائیل سر به ۲۰۰۰ نفر می‌زند. آدمکشان اسرائیلی به همان شیوهایی متوسل شده‌اند که زمانی نازیها علیه دیگر ملتها و بویژه یهودیان دست زدند. رژیم صهیونیست اسرائیل با کشتار فلسطینیان در لبنان به سیاست نژادگشی ایجاد بی‌سابقهای باد

البته آنها در ارتکاب این جنایت تکان‌دهنده بهیچوجه تنها نبودند. امریکا مستقیماً شریک جنایت است. فیلیپ حبیب فرستاده ریگان به طور صریح از طرف امریکا تمهید کرده بود که پس از خروج زینندگان از بیروت امنیت اردوگاههای اوارگان فلسطین را تضمین کند. رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد "با نیروهای حافظ صلح توافق شده بود و استادان موجود است که پس از خروج ما، آنها وارد بیروت غربی نخواهند شد و امریکا، فرانسه و ایتالیا تمهید کردند از امنیت اردوگاهها حفاظت کنند" با معرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین تاکید کرد: "این دولت امریکاست که

مسئول آنچه در غرب بیروت می‌گذرد می‌باشد" بحسب نیست که ریگان وقتی هم که ناچار شد این جنایت عظیم را محکوم سازد هیچ نامی از طراح و مجری اصلی آن نبرد.

قتل‌عام هولناک صبرا و شتیلا در سرتاسر جهان خشم و انزجار میلیونها نفر را برانگیخته است. وجدان جهانیان از این جنایت عظیم تکان خورده است لغراب ساکن مناطق ریفالی به دعوت سازمان آزادیبخش فلسطین به بزرگترین اعتصاب و تظاهرات پرداختند که طایفه سرکوب وحشیانه نیروهای اسرائیلی همچنان ادامه دارد. کارگران اردنی به یک اعتصاب نیم‌ساعته دست زدند در خود اسرائیل طرفداران جنبش صلح اکنون تظاهرات اعتراض‌آمیزی برپا کردند. در دیگر کشورهای عربی نیز اعتراضات گسترده‌ای صورت گرفت. در ایتالیا میلیونها کارگر به دعوت سندیکاها و احزاب سیاسی عربی این کشور با یک اعتصاب یک ساعته خشم و اعتراض خود را نشان دادند. سندیکای کارگران فرودگاههای این کشور اعلام کرده است که از روز جمعه به مدت ۸ روز خطوط هوایی اسرائیل را تحریم می‌کنند. در پاریس دهها هزار نفر به خیابانها ریختند و فریاد اعتراض سردادند. آنها ریگان و بگین را سبب اصلی جنایات اعلام کرده و خواهان خروج اضالگران صهیونیست از لبنان شدند. روزنامه طلی نامهای به مرقاته همبستگی کامل و همدردی دوستانه حرب کونیست فرانسه را با فلسطینیها ابراز داشت. در یونان راهپیمایی گسترده به دعوت ندراسیون کل کارگری این کشور برگزار شد. در کشورهای سوسیالیستی و توسط رژیم‌های



ضد امپریالیست جهان : جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل و ضدان  
فالنزیست آنها قویا محکوم شد. و همسگی رزمنده خلفهای این کشورها با  
خلق فلسطین و رهبران آن مجددا مورد تاکید قرار گرفت. شورای کل مرکزی  
انجمنهای شوروی طی اعلامیه رسمی از طرف ۱۳۵ میلیون مصوکشتر خونین  
در بیروت را شدیداً محکوم کرد. شورای مرکزی اتحادیههای افغانستان نیز ضمن  
محکوم کردن شدید جنایتکاران عرذستار اطراچ اسرائیل از سازمان ملل ضد  
تظاهرات وسیع اعتراض به قتل عام بیروت در اغلب کشورهای جهان برگزار  
می شود. بسیاری از دولتها و شخصتهای سیاسی بر اعمال سحاورین را محکوم  
کردند. ابراهیم ذکریا دبیرکل. مدراسون جهانی اتحادیهها خواستار قطع

قتل عام مردم در لبنان؛ مجازات متجاوزین و حامیان آنها شد. مدلیگاشیرو  
رهبر کوبا و رئیس کنونی جنبش عیروصیدها در نامه ای به حاورین روز و کونکولار  
دبیرکل سازمان ملل متحد. ضمن محکوم کردن شدید متجاوزگران اظهار نمود:  
" باید دستکم یک مجازات سیاسی و معنوی برای عاملان جنایت بیروت به  
خمسایر جنایاتشان علیه انسانیت به اجرا در آورید همانطور که جنایتکاران  
نورمیری به خاطر همین جنایات معاکمه و بدار آورخته شدند " کاسرو همچونین  
خواهان تشکیل توری اجلاس عمومی سازمان ملل متحد برای رسیدگی به فاجعه  
شد.

دهها رهبر سیاسی و مذهبی دیگر. حواء در کشورهای سوسیالیستی و  
ضد امپریالیست و حواء در کشورهای سرمایه داری و از جمله اروپا و ژاپن این  
جنایت هولناک در اردوگاههای فلسطین را قیداً محکوم کردند. متجاوزین  
صهیونیست در مقابل آنچهان موج نیرومندی از حشم و انزجار در سرتاسر جهان  
قرار گرفتند که تاکنون سابقه نداشته است. رمایی بود که آنها می توانستند  
فاجعه ای در برابری و کفر قاسم را بوجود آورند و بارتاب وحشیگری آنها به  
زخم تاز حصار کشورهای غرب منطقه تجاوز کند. ولی اکنون صل از آنکه حامی  
ایجاد جنایت آشکار گردد مرید اعتراض از دورترین نقطه جهان علیه  
صهیونیستها و جنایات آنها بلند است. حتی امپریالیسم عبری نیز دیگر  
نی نوات سادگی پروی چنین فحاشی می پوش گذارد.

آنچه در ... و شتلا رح داد. مکمل جنایاتی است که اسرائیل پیش از  
آن مرتکب شده است. کشتار بی رحمانه غیر نظامیان تنها می تواند بیانگر  
ذالتی باشد که مسیبن آن را به انروای بازم بیشتر خواهد گسند. متجاوزگران  
که با نیروی ۱۴۰ هزار نفری خود نتوانستند مقاومت چند هزار رزمنده فلسطینی  
و لبنانی را فرهم شکنند. اکنون بردلانه از ریان و کودگان آنها انتقام  
می گیرند. تا شاید با ایهاد رعب و وحشت خلقی را به تسلیم وادارند. تظاهرات  
رزجیویانه فلسطینیان ساکن در مناطق اشغالی که زیر سر نیزه دشمن در حالیکه  
برجم فلسطین را برافراشته بودند. و عکسهای عرفات را حمل می کردند برگزار  
شد شت محکی بر دهن اشغالگران بود.

همه انسانهای شرافتمند در سرتاسر جهان این جنایت را نه تنها علیه خلق  
فلسطین بلکه علیه کل بشریت می دانند. صهیونتها بر خواستار مجازات عاملین  
کشتار بی رحمانه فلسطینیان در لبنان هستند. اکنون شرایطی بوجود آمده است  
که حامیان و دوستان رژیم صهیونیستی اسرائیل هم قادر نیستند براستی از آن  
دفاع کنند. باید فشار را از همه سو متوجه امریکا. حامی اصلی اسرائیل صاحب  
لئونید برنرف رهبر شوروی در بیاضی به ریگان رئیس جمهور امریکا. امریکا را  
در این جنایت مسئول دانست. وی در عین حال طلب نمود که امریکا نیز  
برای مهار کردن اسرائیل و وادار کردن این کشور به تسلیم از مطالبات سازمان  
ملل متحد اقدام کند. قطعاً حکومت ریگان به این پیام پاسخ منفی خواهد داد  
و یگبار دیگر نشان می دهد که جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل در لبنان چیزی  
جز پیاده کردن اهداف جنگ طلبانه و تجاوزگرانه و توسعه طلبانه امریکا نیست که  
در راه حفظ منافع فارتگرانه خود در راه سرکوب خلفهای منطقه تلاش می کند  
جنایاتی که رژیم صهیونیستی اسرائیل و متحدان فالانزیست آن با تشویق و  
حمایت امپریالیسم امریکا در لبنان مرتکب شدند اکنون جنایات تازه ای را علیه  
صهیونیسم و امپریالیسم بازگشوده است. نفرت خلفهای سراسر جهان علیه  
جنایات امپریالیسم امریکا و صهیونیسم. آگاهی فزاینده خلفهای سراسر جهان  
را نسبت به ماهیت ددمنشانه و ضد بشری امپریالیسم و صهیونیسم منعکس می کند  
و بدون تردید موجب اعتلای این مبارزات. آنچنانکه امروز پیداست حتی در  
خانه خود/ امپریالیستها و صهیونیستها خواهد شد. جنایتکاران با هر جنایاتی  
بیشتر در منجلاب فرو می روند. همسنگی رزجیویانه خلفهای سراسر جهان با  
خلق لهرمان و رزمنده فلسطین که زیر رهبری خردمندان سازمان آزادی بخش  
فلسطین و رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامی آن امپریالیسم سرگردگی امریکای  
جنایتکار را هر روز بیشتر از روز پیش در بن بست قرار می دهد رهبری سازمان  
آزادی بخش فلسطین را برای احقاق حقوق خلق فلسطین توانمندتر می سازد.  
وصیه است نیروهای ترقیخواه. ضد امپریالیست و انقلابی جهان است که در راه  
بروزی خلق فلسطین این همسنگی رزجیویانه را تحکیم کنند و استوارتر سازند.

روز ۲۱ شهریور تظاهرات دستجمعی زحمتکشان، سراسر انگلستان را فراگرفت  
تظاهرات و اعتصابات بویژه در اسکاتلند، اولستر و در شمال انگلستان ویژگی  
و شدت بیشتری داشت. زیرا در این نواحی مردم بیشتر از دیگر نواحی کشور از  
شدت بیگاری و پیماندهای دیگر سیاست ضد مردمی دولت محافظهکار مارگارت تاچر  
بر مضیقه هستند این تظاهرات بنا به دعوت کنگره اتحادیههای سراسری  
انگلستان علیه سیاست ضد مردمی دولت محافظهکار تاجر برپا شد.

چند روز قبل نمایندگان اتحادیههای انگلستان در برایتون گرد آمدند تا  
اعتراضات و مخالفتهای خود را علیه سیاست ضد مردمی دولت مارگارت تاچر  
شاهنگ سازند. این اقدام بویژه از آن جهت صورت گرفت که دولت  
محافظهکاران نسبت به خواستهای برون و عادلانه شرکت کنندگان در انتخابات  
امتناسی نمی کند و به سیاست ضد مردمی خود در زمینه افزایش هزینههای  
تسلیماتی و کاهش میزان بودجه خدمات بهداشتی و رفاهی ادامه می دهد.

شرکت کنندگان در کنگره اتحادیهها در برایتون ضمن اعلام مخالفت با  
استمرار روشکهای بالدار در خاک انگلستان بر ضرورت انحلال پارلیامنتی  
هستای در خاک انگلیس تاکید کردند و خواستار ایجاد منطقه شهرهستای  
در اروپا شدند. همچنین شرکت کنندگان در کنگره روز ۲۱ شهریور را روز صلح به  
پشتیبانی از خواستهای کارمندان پزشکی درباره افزایش دستمزد و اعتبارات  
لازم برای رفع نیازمندیهای بهداشتی اعلام کردند و از زحمتکشان کشور دعوت  
کردند که در این روز به تظاهرات علیه سیاستهای ضد مردمی دولت محافظهکار  
تاچر بپردازند. در پاسخ به این دعوت و برای اعلام حمایت از تصمیم  
اتخاذ شده در کنگره اتحادیههای سراسری انگلستان، زحمتکشان این کشور در  
تظاهرات روز ۲۱ شهریور شرکت کردند تا بار دیگر مخالفت خود را با  
سیاستهای ضد مردمی دولت تاجر ابراز دارند.

## پروایون دیدار خانم گاندی از اتحاد شوروی

روز دوشنبه ۲۹ شهریور خانم ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هندوستان به منظور انجام یک دیدار رسمی از اتحاد شوروی وارد مسکو شد.

خانم گاندی به هنگام اقامت خود در مسکو با دولتمردان اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد همانطور که انتظار می‌رفت دیدار رهبران اتحاد شوروی و هند این بار نیز مانند دیدارهای قبلی شرایط و امکانات بیشتری برای بهبود روابط میان دو کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی و افزایش همکاری بیشتر در صحنه بین‌المللی را فراهم ساخت. به هنگام ملاقات خانم گاندی نخست‌وزیر هندوستان با لئونید برزنف رهبر اتحاد شوروی، رهبران دو کشور ضمن ابراز رضایت از پیشرفت عملی مفاد موافقت‌نامه‌های قبلی در رشته‌های گوناگون

فصلت اقتصادی و همکاری در زمینه مسائل بین‌المللی اظهار داشتند که :

" قصد دارند در آینده نیز همکاری میان دو کشور را تحکیم نموده و  
فصلت‌های مشترک بین هند و شوروی را در صحنه بین‌المللی توسعه دهند  
لئونید برزنتس و خانم گاندی ضمن تأکید بر اینکه " امروزه چیزی بهتر از دفاع  
از صلح و تشنج‌زدایی وجود ندارد " تجايل مشترک خود را به " آرزوی بریدن  
گلوله‌های موجود متشیخ و جلوگیری از پیدایش گلوله‌های جدید آن در آسیا "  
اعلام و شراستار " حل و فصل مناقشات بین‌المللی از طریق مذاکره و تبدیل  
اتحادیوس هند به منطقه صلح " شدند . در این مذاکرات همچنین تجايل اسرائیل  
به لبنان و حقوق خلق فلسطین و خفه ملت‌های عرب  
که از پشتیبانی کامل آمریکا برخوردار است " محکوم گردید و طرفین اعلام  
کردند که " حل و فصل مناقشات منطقه فلسطین فقط با شرکت طرف‌های ذی‌نفع  
از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق عرب فلسطین  
امکان‌پذیر می‌باشد " مذاکرات در همان اتحاد شوروی و هند در مسکو پس از  
انضای اعلامیه مشترک پایان یافت .

خانم گاندی پس از دیدار و انجام مذاکرات با لئونید برزنتس رهبر اتحاد  
شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد . در این مصاحبه خانم گاندی ضمن  
تأکید بر اهمیت و لزوم گسترش روابط اتحاد شوروی و هند و عقد موافقت‌نامه‌های  
جدید اظهار داشت: همانطور که اتحاد شوروی " در دوران سخت به ما کمک کرد "  
عقد قراردادهای اقتصادی جدید نیز " تحرک بزرگی برای برنامه‌های رشد و  
پیشرفت هندوستان " خواهد بود . خانم گاندی همچنین اظهار داشت :

" مناسبات میان شوروی و هند یک عامل وزن در تأمین صلح در سراسر  
جهان است " نخست‌وزیر هندوستان همچنین اظهار امیدواری کرد که سفر وی  
به اتحاد شوروی همانطور که سفر رهبران شوروی به هندوستان " موجب تحکیم  
صلح و دوستی میان دو کشور بوده است ، سپس در این راه داشته باشد "

مناسبات میان اتحاد شوروی و هند نمونه بارز آن است که همکاری میان  
کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف در صورتی که روابط آن  
کشورها بر مبنای حقوق برابر ، تأمین حقوقی متقابل و محترم نمودن حق حاکمیت  
و استقلال یکدیگر باشد . تا چه اندازه ممکن است و می‌تواند شریک‌ش و استوار  
باشد . این روابط همچنین تأکیدی است بر درستی ، صحت و لزوم برقرار ساختن  
و تحکیم و گسترش مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای عضو جنبش  
میرتصدها برای مبارزه در راه امنیت بین‌المللی و آزادی و استقلال ملت‌ها ،  
روابطی که صحت و سودمندی آن را تاریخ بی‌شائبه رسانده است .